

مطالعه استقرارها و سفال خاکستری عصر آهن منطقه طالقان (براساس بررسی‌های میدانی)

محمد رضا حدادیان^I، بهمن فیروزمندی شیره جینی^{II}، رضا شعبانی صمغ‌آبادی^{III}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.19443.1969

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۲

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۹۵-۱۱۴

چکیده

از آنجا که عصر آهن، نقطه تلاقی بین دوران پیش از تاریخ و تاریخی ایران به حساب می‌آید، از منظر باستان‌شناسی دارای اهمیت بسزایی است. از مهم‌ترین یافته‌ها و بحث‌های عصر آهن، سفال خاکستری و مسأله پیدایش و چگونگی انتشار آن در ایران است؛ در این خصوص، نظریات متعددی ارائه شده که برخی آغاز عصر آهن و ظهور سفال خاکستری را نتیجه مهاجرت و پویایی فرهنگی، و برخی آن را درونی و در نتیجه تطور و تغییرات در فرهنگ‌های عصر مفرغ می‌دانند. از نقاط قابل توجه عصر آهن فلات مرکزی، منطقه میان‌کوهی طالقان است؛ از این منطقه، ۱۳ محوطه عصر آهن شناسایی شده است که بخشی از یافته‌های سفالی آن در دوره مذکور را قطعات سفال‌های خاکستری با فاصله زمانی آهن I و II را به خود اختصاص می‌دهند که تاکنون کمتر بدان پرداخته شده است. هدف اصلی این پژوهش، ضمن معرفی و تحلیل استقرارهای عصر آهن منطقه طالقان، بررسی سفال خاکستری و مقایسه و تطبیق آن با سایر مناطق محوطه‌های همجوار است. پرسش‌ها عبارتند از: گونه‌ها و الگوی پراکنش محوطه‌های عصر آهن منطقه طالقان از چه شاخصه‌ای برخوردارند؟ ظهور سفال خاکستری منطقه طالقان پی‌آمد استقرارهایی با یک فرهنگ جدید است یا فرآیند یک فرهنگ تطوریافته درون منطقه‌ای بوده است؟ سفال خاکستری منطقه طالقان محصول یک جامعه پیشرفته با شاخصه‌های جوامع پیچیده شهری است، یا محصول یک جامعه روستایی بوده است؟ روش پژوهش، به صورت میدانی با گردآوری سفال‌ها از سطح محوطه‌ها و مطالعه آن با رویکرد توصیفی-تحلیلی از طریق جستجو در منابع کتابخانه‌ای و گزارشات فعالیت میدانی صورت گرفته و سپس نتایج حاصل شده به شیوه تاریخی-تحلیلی ارائه شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سفال خاکستری طالقان احتمالاً پی‌آمد یک استقرار جدید است و وجود برخی نشانه‌ها باعث تقویت این فرضیه شده که سفال خاکستری این منطقه، محصول یک جامعه دامدار کوچ‌نشین یا به احتمالی دیگر، محصول یک جامعه دامدار روستایی است که با جوامع پیشرفته فلات مرکزی در ارتباط بوده است؛ همچنین بررسی گونه‌ها و الگوهای استقرار طالقان نشان می‌دهد عموماً پراکنش محوطه‌های در راستای برآوردن نیازهای جوامع کوچ‌رو بوده است.

کلیدواژگان: عصر آهن، بررسی‌های باستان‌شناختی، استقرار، سفال خاکستری، طالقان.

مقدمه

بررسی تغییرات انگاره‌های زیستی انسان، بخشی از تحلیل واکنش‌های همسازی میان مردم و محیط خارجی آن‌هاست. مطالعه انگاره‌های زیستگاهی و استقرار، مستلزم بررسی حد و میزانی است که استقرار انسان در ارتباط با وجود یک جامعه و موارد همسازی و بهره‌گیری‌های فناوری مربوط به محیط زیست، وضعیت ویژه‌ای را آشکار می‌سازد؛ بنابراین باستان‌شناسی زیستی و استقرار، فرصت مطالعه روابط میان اجتماعات مختلف، شبکه‌های بازرگانی، بهره‌برداری و سازمان‌های اجتماعی را در اختیار باستان‌شناسان قرار می‌دهد (فاگان، ۱۳۸۴: ۵۶۳-۵۶۴)؛ یافته‌های باستان‌شناختی به واسطه ماهیت، شیوه پژوهش و روش‌های گردآوری اطلاعات، می‌تواند منبع و روش مطالعاتی قابل‌اعتمادی در راستای تبیین و بررسی تغییرات در الگوی استقرار و افزایش یا کاهش جمعیت یا وجود سلسله‌مراتب استقرارها باشد. از عصر آهن می‌توان به‌عنوان دوران طلایی در مطالعات باستان‌شناسی ایران [در نقطه تلاقی بین دوران پیش‌تاریخ و تاریخی] نام برد؛ به دلایل تحولاتی که در این مقطع تاریخی روی داده، به لحاظ زمانی از سایر دوره‌های قبل، مجزا و مهم‌تر جلوه می‌کند. داده‌های باستان‌شناسی، دال بر تحولات تکاملی در جنبه‌های مختلف زندگی مردمان عصر آهن بوده است (فراشی ابرقویی، ۱۳۹۲: ۲۰). مشخصه اصلی این دوره، سفال خاکستری [، به‌ویژه معماری و برخی مؤلفه‌های دیگر] است، نه استفاده و به‌کارگیری فلز آهن که از حدود ۱۲۰۰ ق. م. مورد استفاده قرار گرفته است. سفال خاکستری تک‌رنگ، بعد از ظروف منقوش هزاره دوم قبل از میلاد در قسمت وسیعی از فلات ایران، به‌ویژه در شمال غرب و (تاحدودی غرب) در سطح محوطه‌ها پراکنده است. تاکنون فرضیات مختلفی در مورد فرهنگ عصر آهن ایران بیان شده است؛ اما عدم تحقیقات جامع گسترده و منسجم در ارتباط با عصر آهن، سبب گردیده که عصر آهن به‌طور کامل شناخته نشده باشد (پورفرج، ۱۳۸۶: ۶۷). از ویژگی‌های مهم عصر آهن می‌توان به: سفال نخودی، ظروف لوله‌دار، فقدان یا کمبود ظروف منقوش، تدفین جنینی، وجود قبرستان‌ها، نوع معماری منحصر به فرد با تالارهای ستوندار مختص این دوره و ابزارهای آهنی، اشاره کرد. آنچه مسلم است، -سفال خاکستری- مبنای تقسیم‌بندی عصر آهن ایران نیز به حساب می‌آید؛ بر همین اساس، «یانگ» سیر تحول سفال خاکستری در فلات ایران را به سه افق سفالی تقسیم کرده است: ۱- افق سفال خاکستری قدیم غرب، ۲- افق خاکستری جدید غرب، ۳- افق سفال نخودی غرب (Young, 1965: 59). در ادامه، «دایسون» نظریه دیگری داد که مورد قبول یانگ قرار گرفت و آن هم شامل عصر آهن I: ۱۴۵۰-۱۲۰۰ پ. م.؛ عصر آهن II: ۸۰۰-۱۲۰۰ پ. م. عصر آهن III: ۸۰۰-۵۵۰ پ. م. (Dyson & Muscarella, 1989). در همین راستا، «دانتی» جدیدترین گاهنگاری عصر آهن را ارائه می‌دهد (دانتی، ۱۳۹۶؛ Danti, 2013)؛ در این گاهنگاری، بر اساس یافته‌های تپه حسنلو، عصر آهن I با تاریخ ۱۲۵۰ تا ۱۰۵۰ پ. م.، عصر آهن II با تاریخ ۱۰۵۰ تا ۸۰۰ پ. م.، عصر آهن III با تاریخ ۸۰۰ تا ۵۵۰ پ. م. و عصر آهن IV یا هخامنشی با تاریخ ۵۵۰ تا ۳۰۰ پ. م. در نظر گرفته شده است (Danti, 2013: Table 17.1).

مطالعات باستان‌شناسی حاضر، از جمله «بررسی‌های باستان‌شناختی»، به نوعی می‌تواند تکمیل‌کننده مطالعات گذشته باشد؛ اگرچه یافته‌های سطحی بررسی‌های باستان‌شناختی، غنا و فراوانی چندانی نداشته است، اما شواهد برخی ویژگی‌های محلی و همچنین به لحاظ تعداد استقرارهای شناسایی شده در طی این مطالعات از مراحل

عصر آهن می‌تواند به برخی شبهات در علت تغییر فراوانی محوطه‌های عصر آهن کمک نماید. از نقاط قابل توجه عصر آهن فلات مرکزی، منطقه طالقان است؛ از این منطقه، ۱۳ محوطه عصر آهن در بررسی‌های باستان‌شناختی آن شناسایی شده است که بخشی از یافته‌های سفالی را قطعات سفال‌های خاکستری با فاصله زمانی آهن I و II را به خود اختصاص می‌دهند که تاکنون کمتر بدان پرداخته شده است. در پژوهش حاضر، ضمن بررسی مجدد محوطه‌های ناحیه طالقان و برداشت سطحی داده‌های آن‌ها (توسط نگارنده اول) و با استفاده از داده‌های بررسی‌های گذشته، به صورت موردی به مطالعه استقرارها و سفال خاکستری و مقایسه آن با سفال خاکستری محوطه‌های شاخص و هم‌افق خود در فلات مرکزی پرداخته شده است که از اهداف کلان این مطالعه به‌شمار می‌آید؛ اما هدف اصلی این پژوهش، در پس معرفی و تحلیل استقرارهای عصر آهن منطقه طالقان، گونه‌شناسی و بررسی - سفال خاکستری - و مقایسه و تطبیق آن با سایر مناطق محوطه‌های همجوار است.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: پرسش‌های پژوهش عبارتند از: گونه‌ها و الگوی پراکنش محوطه‌های عصر آهن منطقه طالقان از چه شاخصه‌ای برخوردارند؟ ظهور سفال خاکستری منطقه طالقان پی‌آمد استقرارهایی با یک فرهنگ جدید است یا فرآیند یک فرهنگ تطوریافته درون منطقه‌ای بوده است؟ سفال خاکستری منطقه طالقان محصول یک جامعه پیشرفته با شاخصه‌های جوامع پیچیده شهری است یا محصول یک جامعه روستایی بوده است؟ براساس پرسش‌های طرح شده، فرضیات پیش‌رو صادق است: سفال خاکستری طالقان احتمالاً پی‌آمد یک استقرار جدید است و وجود برخی نشانه‌ها باعث تقویت این فرضیه شده که سفال خاکستری منطقه، محصول یک جامعه دامدارکوچ‌نشین یا به احتمالی دیگر، محصول یک جامعه دامدار روستایی است که با جوامع پیشرفته فلات مرکزی در ارتباط بوده است؛ همچنین بررسی گونه‌ها و الگوهای استقرار طالقان نشان می‌دهد، عموماً پراکنش محوطه‌های در راستای برآوردن نیازهای جوامع کوچ‌رو بوده است. آن‌چه مشخص است، براساس موقعیت جغرافیایی ویژه و استعدادهای طبیعی طالقان (با توجه به بیلاقی بودن)، این ناحیه میان‌کوهی همواره در طول تاریخ، از جمله مناطق مستعد شکل‌گیری استقرارهای عصر آهن در نواحی شمالی فلات مرکزی بوده است.

روش پژوهش: روش پژوهش، به صورت میدانی با گردآوری سفال‌ها از سطح محوطه‌ها و مطالعه آن با رویکرد توصیفی - تحلیلی از طریق جستجو در منابع کتابخانه‌ای و گزارشات فعالیت میدانی باستان‌شناختی پیشین (پازوکی، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۲؛ دارابی و نیازی، ۱۳۹۰) و اخیر نگارنده اول از محوطه‌های عصر آهن منطقه طالقان صورت گرفته و سپس نتایج حاصل شده به شیوه تاریخی - تحلیلی ارائه شده است.

پیشینه پژوهش

آغاز فعالیت‌های باستان‌شناسی عصر آهن با فعالیت‌های «ژاک دمورگان» در منطقه تالش بود و پس از سال ۱۹۳۰ م. و لغو حق انحصاری فرانسویان برای کاوش در ایران، هیأت‌های باستان‌شناسی مختلف از جمله هیأت‌های آمریکایی در سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ م. در تپه حصار و تورنگ تپه حاضر شدند. در سال ۱۹۳۱ م. «گیرشمن» و «کنتنو» در تپه گیان نهبوند کاوش کردند (Contenau & Ghirshman, 1935). گیرشمن در قبرستان A و B سیلک، کاوش و تاریخی بین قرن ۱۱ و ۱۲ پ. م. را برای قبرستان A و تاریخ ۱۰-۸

پ. م. را برای قبرستان B ارائه می‌دهد. با توجه به مدارک مکتوب که تاریخ مهاجرت آریایی‌ها به فلات را در حدود قرن ۹ پ. م. نشان می‌دهد؛ گیرشمن، قبرستان B را مربوط به اقوام تازه وارد و براساس شباهت‌هایی که بین اشیاء قبرستان B و آثار به دست آمده از منطقه قفقاز وجود دارد، مسیر مهاجرت ایرانیان را از طریق آن منطقه می‌داند. نظریات گیرشمن، در مورد ورود اقوام هند و اروپایی‌ها، و مسیرهای حرکت آن‌ها که توسط او ارائه شده، نقش مهمی در مطالعات باستان‌شناسی دارد؛ ظهور سفال خاکستری عصر آهن در محوطه‌هایی مانند: سیلک (Ghirshman, 1939)، حصار (Schmidt, 1937) و گیان (Contentau & Ghirshman, 1935) باعث شد که گیرشمن، نظریاتی مبتنی بر ارتباط بین سفال خاکستری و اقوام تازه‌وارد را اظهار نماید؛ در ادامه این نظریه، محققین مختلفی به بحث موضوع مهاجرت آریایی‌ها مانند: مقاله «بررسی و نقد تأثیرات تفکر ناسیونالیستی بر موضوع مهاجرت آریایی‌ها» (محمدی‌فرو و مترجم، ۱۳۹۲) پرداخته‌اند که در جدیدترین پژوهش، «سیامک سرلک» (سرلک، ۱۳۹۹) نیز با مقاله «طرح یک فرضیه در رابطه با علل متروک شدن محوطه‌های پایان عصر مفرغ در شمال شرق و شرق و گذار به آغاز عصر آهن در نیمه شمالی ایران»، به صورت جامع به چگونگی ظهور عصر آهن و واکاوی مسأله ورود اقوام آریایی پرداخته است.

شمال غرب ایران به واسطه محوطه‌های متعدد عصر آهن، از اهمیت زیادی در مطالعات این دوره دارد. مرحله پربار در مطالعات باستان‌شناسی عصر آهن با فعالیت‌های «رابرت دایسون» در سال ۱۹۵۷ م. در تپه حسنلو آغاز می‌گردد. درحقیقت، گسترده‌ترین مطالعات باستان‌شناسی شمال غرب ایران با شروع فعالیت‌های روشمند باستان‌شناختی دانشگاه پنسیلوانیا تحت نظر دایسون با عنوان «پروژه حسنلو» فعالیت‌های باستان‌شناسی این منطقه وارد مرحله جدیدی گردید که از سال ۱۹۵۶ م. شروع و تا قبل از انقلاب ادامه یافت (Dyson & Young, 1960: 121). در این میان، محوطه‌های مورد مطالعه بیشتر به حوضه دریاچه ارومیه معطوف بوده که از این دست محوطه‌ها می‌توان به: دینخواه تپه (Stein, 1940; Muscarella, 1968)، یانیق تپه (Burney, 1961)، گوی تپه (Crawford, 1951; Brown, 1975)، کردلر تپه و هفتوان تپه (Burney, 1975) اشاره کرد که مورد مطالعه قرار گرفتند (پورفرج، ۱۳۸۶: ۱۷۲). تا اواخر دهه پنجاه، اطلاعات نسبتاً زیادی درباره عصر آهن ایران جمع‌آوری شده و لازم بود که این اطلاعات جمع‌بندی شود تا بتوان به یک نتیجه اصولی در این زمینه رسید؛ یانگ، به این کار مبادرت ورزید و براساس تجزیه و تحلیل سفال‌های ایران مربوط به سال‌های ۵۵۰-۱۵۰۰ پ. م. توانست «افق‌های سفالی» و پدیده‌های درونی این افق‌ها را در ایران مشخص کند (Young, 1967: 17).

پیشینه پژوهش‌های حوزه فرهنگی مورد مطالعه (یعنی فلات مرکزی) از آغاز تاکنون، فراز و فرودهای مختلفی را طی کرده است؛ از مطالعات و محوطه‌های نواحی مختلف فلات مرکزی و همجوار با منطقه طالقان، می‌توان به کنکاش در محوطه‌هایی مانند: ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۹)، قلی درویش (سرلک، ۱۳۹۳)، سگزآباد (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۵۶)، قیطره (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۰)، خورویین (Vanden Bergh, 1964)؛ واندنبرگ، ۱۳۳۸)، صرم (پوربخشنده ۱۳۸۲؛ سرلک، ۱۳۸۲؛ بحرانی‌پور، ۱۳۸۵)، سیلک (Ghirshman, 1939)، حصار (Schmidt, 1937)؛ روستایی و کوهی گیلوان، ۱۳۸۶)، تپه شغالی (تهرانی‌مقدم، ۱۳۷۱؛ حصاری، ۱۳۸۷)، سفالین (حصاری، ۱۳۹۶)، چالتاسیان (یوسفی‌زشک، ۱۳۹۲)، پردیس (Fazeli et al., 2007)، تپه قبرستان (فاضلی، ۱۳۸۵)، شمشیرگاه (فهیمی، ۱۳۸۲)، معمورین (مهرکیان، ۱۳۷۴)، تینال تپه (حصاری، ۱۳۸۸)؛

حدادیان، ۱۳۹۲) و... اشاره کرد که از این محوطه‌ها آثار مختلفی مانند: سفال، معماری و قبوری مرتبط با دوران عصر آهن شناسایی شده است.

منطقه طالقان، نخستین بار در سال ۱۳۵۲ ه.ش. توسط «یحیی کوثری» مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفت. سپس در سال ۱۳۷۴ ه.ش. «حسن رضوانی» مجدد این منطقه را بررسی کرد (توفیقیان، ۱۳۸۶: ۲۲)؛ بالآخره در سال ۱۳۸۰ ه.ش. هیأتی به سرپرستی «ناصر پازوکی» به شناسایی محوطه‌ها و آثار این بخش از شهرستان ساوجبلاغ پرداخت که طی آن، محوطه‌ها و بناهای متعددی از دوره‌های مختلف پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی ثبت گردید؛ وی نتایج اولیه خود را در قالب کتابی با عنوان: آثار تاریخی طالقان منتشر کرده است (پازوکی، ۱۳۸۲)؛ همچنین در مقاله‌ای دیگر، به معرفی محوطه‌های عصر آهن این منطقه پرداخته شده است (دارابی و نیازی، ۱۳۹۰).

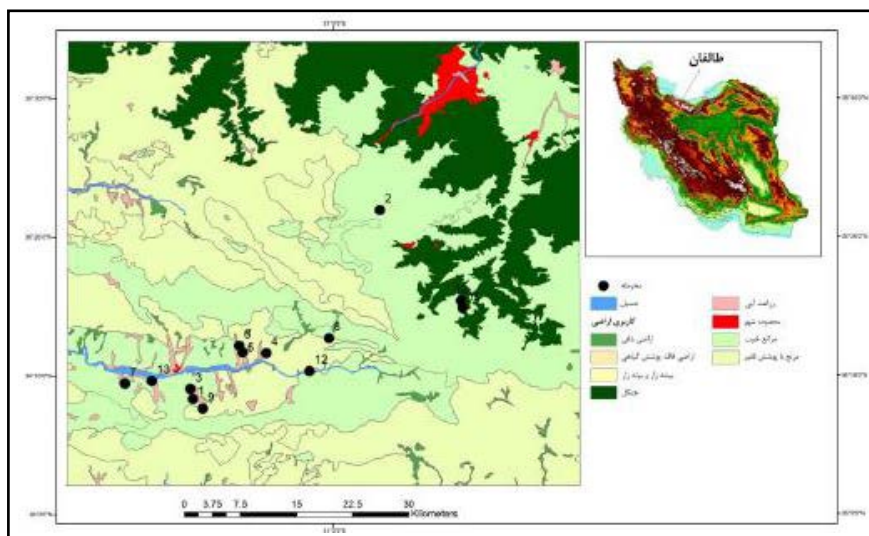
موقعیت جغرافیایی طالقان

منطقه طالقان در ۱۴۰ کیلومتری شمال غرب تهران و در شمال ساوجبلاغ قرار دارد. این منطقه که پیش‌تر جزو شهرستان ساوجبلاغ بوده (با تقسیم‌بندی‌های جدید به عنوان شهرستان) در استان البرز با ۱۱۸۶ کیلومتر مربع دارای وسعت است؛ از شرق به شهرستان کرج، از غرب به ناحیه الموت قزوین، از شمال به ارتفاعات البرز و از جنوب به ارتفاعات جنوبی بخش مرکزی شهرستان ساوجبلاغ محدود شده است. طالقان از سه دهستان «پابین طالقان»، «میان طالقان» و «بالاطالقان» تشکیل شده است. مهم‌ترین رودخانه منطقه طالقان «شاهرود» است که از گردنه «عسلک» سرچشمه گرفته و با جهت شرقی-غربی به ناحیه الموت و نهایتاً به سفیدرود می‌ریزد (پازوکی، ۱۳۸۲: ۱۹). این ناحیه به لحاظ توپوگرافی و ریخت‌شناسی در منطقه‌ای واقع شده است که از اطراف توسط کوه‌ها محاصره شده و در حقیقت در یک دره بن‌بست قرار گرفته که به واسطه ارتفاعات رشته‌کوه البرز محاط شده و یک حوضچه را تشکیل داده است؛ لذا گسترش سکونتگاه‌های موجود نیز در ارتباط با این وضعیت توپوگرافی بوده و عمدتاً در اطراف رودخانه‌ای که از داخل دره عبور می‌کند، گسترش یافته‌اند؛ به عبارتی دیگر، این ناحیه متکی به منبع آب سطحی است که در آن جریان دارد و از شرق محدوده به سمت غرب حرکت می‌کند (مهندسین مشاور، ۱۳۸۸: ۳).

ناحیه طالقان در دامنه جنوبی ارتفاعات البرز و رشته‌کوه دیگری از البرز که با فاصله متوسط ۶ کیلومتر از آن به موازاتش از شرق به غرب امتداد دارد، واقع شده است. در ناحیه شمال، قلل و گردنه‌هایی، طالقان را از استان‌های مازندران و قزوین، و ارتفاعات جنوبی طالقان این منطقه را از دشت جدا نموده است. همان‌طور که اشاره شد، در حدفاصل میان دورشته کوه، رودخانه شاهرود از شرق به غرب جریان دارد. شیب تند کوه‌ها از شمال به جنوب، به‌ویژه در منطقه غرب و حکمرانی فرسایش آبی سبب محدودیت برای تشکیل خاک شده است. بخش اعظم این منطقه شاهد ناهمواری‌های بدون پوشش خاکی است (مهندسان مشاور برنامه‌ریزی چشم‌انداز، ۱۳۸۸: ۲۰). امروزه طالقان از ۸۵ پارچه آبادی تشکیل شده که در اطراف و امتداد رودخانه شاهرود استقرار یافته و تراکم روستاها در - میان طالقان - بیشتر است (نقشه ۱).

محوطه‌های عصر آهن طالقان

شناخت محیط در بررسی استقرارهای انسانی و تغییرات ایجاد شده در زیست‌بوم، یکی



نقشه ۱. وضعیت جغرافیایی طالقان و اراضی امروزی این منطقه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

از مباحث مهم در شاخه‌ای از علم باستان‌شناسی، تحت عنوان چشم‌انداز و زمین‌سیما است. مطالعه قرارگیری مکان باستانی در بستر طبیعی، منجر به درک واقعی از مجموعه پتانسیل‌های محیطی و فرهنگی، سیستم معیشتی و اقتصادی ساکنان را دربر دارد؛ بر این اساس، با توجه به محدودیت‌ها و پتانسیل‌ها، گونه خاصی از آرایش فضایی، محوطه‌ها را در پی خواهد داشت (مترجم و سیاسر، ۱۳۹۵: ۷۵). کیفیت و کمیت استقرارهای فرهنگی یک ناحیه به عواملی مانند: بارندگی، خاک، آب‌وهوا و توانایی مردم در بهره‌برداری از آن‌ها بستگی دارد (هول، ۱۳۸۸: ۱۶۴-۱۶۲).

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، استان البرز که طالقان یکی از شهرهای آن است، از دوران پیش از تاریخ، منطقه‌ای پرجاذبه بوده است. استعدادهای طبیعی و منابع آبی فراوان سلسله جبال البرز، و خاک حاصلخیز دامنه‌ها و دشت منتهی به آن برای اجتماعات بشری همواره در طول تاریخ حیات بشری، مناسب برای زندگی کشاورزان و دام‌پروران بوده است. طالقان در منطقه بیلاقی در میان کوه‌های برف‌گیر البرز، قرار دارد. نتایج پژوهش‌های باستان‌شناسی، وجود عصر آهن در این ناحیه را محرز کرده است. صعب‌العبور بودن منطقه طالقان در مقایسه با مناطق پیرامونی و انزوای آن، سبب شده همواره در طول تاریخ مراتع و چراگاه‌ها تا حدودی بکرو دست‌نخورده باقی‌بماند و همین وضعیت باعث جذب دامداران کوچ‌نشین شده است؛ همچنین ارتفاع بالا و اقلیم سرد آن باعث شده تا اوج تراکم جمعیتی در روستاها در تابستان باشد؛ به طوری که در برخی مواقع جمعیت آن به ۲۰ برابر زمستان می‌رسد (پازوکی، ۱۳۸۲: ۲۱). از طرفی، محوطه‌های عصر آهن منطقه نیز در ارتفاع بالای ۲۰۰۰ متری از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته، که با توجه به وجود آب‌وهوای سرد آن، احتمالاً این محوطه‌ها به صورت فصلی توسط کوچ‌نشینان مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

از منطقه طالقان، ۱۳ محوطه از نوع: تپه، قبرستان و قلعه، شناسایی شده است که دارای آثاری از دوره‌های عصر آهن I و II است (نقشه ۱)؛ این محوطه‌ها عبارتند از:

- **تپه زرده‌گهره ورکش:** این تپه در فاصله ۷۰۰ متری ضلع جنوب غربی روستای ورکش و در ضلع شرقی جاده جدید طالقان به کرج و در ناحیه‌ای که مزارع آن را اهالی روستای ورکش «زرده‌گهره» می‌نامند، قرار گرفته است. از این محوطه سفال‌های هزاره اول در اندازه‌های کوچک شناسایی شده است (شکل ۱). در این محوطه پراکندگی



▲ شکل ۱. نمونه سفال‌های خاکستری تپه زرده‌گهره ورکش (نگارندگان، ۱۳۹۸).



▲ شکل ۲. نمونه سفال‌های خاکستری محوطه هورسی بند (نگارندگان، ۱۳۹۸).



▲ شکل ۳. نمونه سفال‌های خاکستری تپه پنجعلی ورکش (نگارندگان، ۱۳۹۸).



▲ شکل ۴. نمونه سفال‌های خاکستری محوطه پول چال (نگارندگان، ۱۳۹۸).

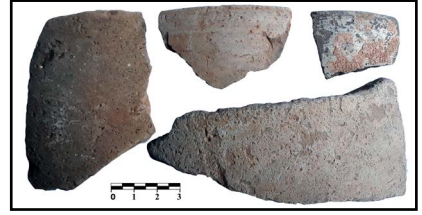
داده‌های سفالی بسیار ضعیف و غیرشاخص است؛ سفال‌های شاخص این محوطه عبارتند از: کف، لبه و بدنه منقوش کنده با آمیزه ماسه و گاه با پخت مناسب و در حاشیه لبه‌ها نقوش کنده به صورت افقی و زیگزاگی قابل مشاهده است (پازوکی، ۱۳۸۰: ۶۰۰).

محوطه هورسی بند: این محوطه، یک قبرستان از دوره عصر آهن است که در جنوب جاده آسفالت شهرک به جزن قرار دارد. از گورهای تخریب شده در محوطه، سفال‌های خاکستری به همراه اشیای فلزی به دست آمده است. سفال‌های جمع‌آوری شده همگی خاکستری تیره و روشن و در طیف ظریف، متوسط و خشن هستند (شکل ۲). در میان نمونه‌ها، دسته‌های حلقوی و عمودی متصل به بدنه، کف‌های ته‌دکمه‌ای مربوط به ساغر و نیز کف‌های صاف قابل مشاهده است. برخی از ظروف، دودزده و برخی بیش از حد حرارت دیده‌اند. ظروف کوچک و مینیاتوری با بدنه کرووی و کف دکمه‌ای شکل از مشخصات مجموعه سفالی این محوطه است. در بین سفال‌ها، یک قطعه نیز با نقش کنده و زیگزاگی وجود دارد که مشابه آن در محوطه‌های سیلک (Ghirshman, 1939: Pl. XIII)، مریان و تندوین (خلعتبری، ۱۳۸۳: ۲۷۷)، حسنلو (دانتی، ۱۳۹۶: ۱۵۳)، قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۱۷۰)، خورویین (Vanden Bergeh, 1964: Pl. x)، قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۱۷۰) و (۴۶ & Pl. xxii 175-178 & Pl. xx viii) نیز شناسایی شده است؛ همچنین یک لبه خاکستری با نقش برجسته زیگزاگی به دست آمده که نقش آن شباهت زیادی با قدحی که از گورستان چندار به دست آمده (Vanden Bergeh, 1964: pl. xix 165) دارد. دسته‌های حلقوی، قسمتی از فنجان‌های دسته‌دار است که مشابه آن‌ها در خورویین (Vanden Bergeh, 1964: Pl. xi)، قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۱۰۸) و شمال غرب (مدودسکایا، ۱۳۸۳: ۲۰۹) و گوی تپه (دانتی، ۱۳۹۶: ۲۱۸) نیز به دست آمده است. ساغرهای پایه‌دکمه‌ای (ته‌دکمه‌ای) از محوطه‌های عصر آهن I قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۵۵)، خورویین (Vanden Bergeh, 1964: Pl. xiv) و تپه گیان (مدودسکایا، ۱۳۸۳: ۲۱۵) حسنلو و دینخواه (دانتی، ۱۳۹۶: ۲۲۶) شناسایی شده است. به طور کلی به نظر می‌رسد وسعت قبرستان بسیار محدود است و انبوهی از سفال‌های خاکستری در اطراف آن پراکنده شده است. در بدنه گورهای تخریب‌شده آثاری از معماری با مصالح سنگ و ملات گل قابل رؤیت بوده که از ویژگی‌های قبور سفال خاکستری به شمار می‌آید (پازوکی، ۱۳۸۰: ۳۰۶).

تپه پنجعلی ورکش: تپه‌ای نسبتاً بزرگ در ضلع غربی روستای ورکش، قرار دارد. انواع داده‌های سفالی گردآوری شده از این محل، شامل: ظروف کوچک و بزرگ مصرفی از انواع سیاه، نخودی و خاکستری دست‌ساز و چرخ‌ساز با خمیره‌های گوناگون است (پازوکی، ۱۳۸۰: ۶۰۴ و ۳۶۷). در طی بررسی (نگارنده اول) به دلیل فقر شدید داده‌های فرهنگی در این محوطه فقط ۷ قطعه سفال شاخص جمع‌آوری شده که شامل دسته عمودی، لبه و بدنه سفال خاکستری است که دارای بافت متوسط و آمیزه شن ریز و درشت با حرارت کافی است (شکل ۳). سفال‌های پنجعلی تپه قابل مقایسه با نمونه سفال‌های خورویین (Vanden Bergeh, 1964: pl. xii)، قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۱۷۶) و دینخواه (دانتی، ۱۳۹۶: ۲۰۴) است.

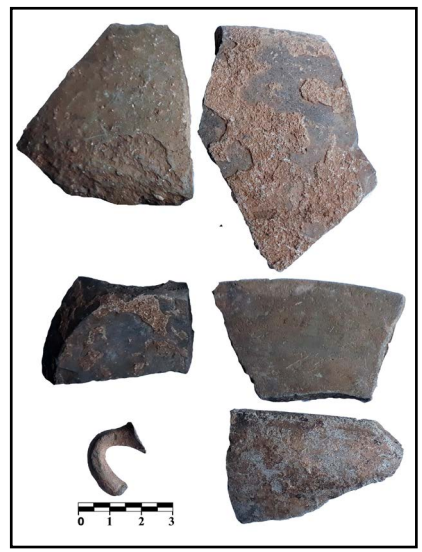
محوطه پول چال جوستان: این محوطه در فاصله یک کیلومتری شمال شرق روستای جوستان طالقان واقع شده است. سفال‌های جمع‌آوری شده از این محوطه، خاکستری تیره و روشن در سه طیف ظریف، متوسط و خشن است که برخی دارای

پوشش‌های قرمز و آجری هستند (شکل ۴)؛ همچنین برخی دارای شاموت شن و کاه، ماسه و کاه و ظروف صیقلی می‌باشند. در برخی موارد سفال‌ها نقوش گنده عمودی و نقوش افزوده به چشم می‌خورد (شکل ۴). مشابه این ظروف نقش‌کننده از محوطه‌های ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۸۹: ۱۴۳، لوح ۳۴) و حسنلو (دانتی، ۱۳۹۶: ۲۸۸ و ۲۶۴) نیز شناسایی شده است.



▲ شکل ۵. نمونه سفال‌های خاکستری محوطه قبرستان گبری (نگارندگان، ۱۳۹۸).

محوطه قبرستان گبری: این محوطه در شرق محوطه خرمله‌کول قرار دارد. پیش‌تر سفال‌های این محوطه چنین تحلیل شده است؛ بیشتر سفال‌های برداشت شده، غیرشاخص بوده و فاقد ارزش گاهنگاری هستند؛ با این‌وجود چند نمونه سفال خاکستری کم‌رنگ چرخ‌ساز که دارای بافت ظریف و آمیزه ماسه‌بادی با حرارت کافی هستند قابل توجه است (دارابی و نیازی، ۱۳۹۰: ۱۹). در این گروه سفالی، یک نمونه لوله ناودانی شکل وجود دارد که مشابه لوله‌های ناودانی متداول در محوطه‌های عصر آهن I شمال فلات مرکزی مانند: محوطه‌های قیطریه (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۰: ۱۷۶) و خورویین (Vanden Bergeh, 1964: Pl. iii) است. یک نمونه لبه نیز پازوکی (۱۳۸۰) گزارش کرده است که نمونه آن در حسنلو (دانتی، ۱۳۹۶: ۶۴) به دست آمده است. در بررسی نگارندگان نیز چهار نمونه لبه و بدنه سفال خاکستری شناسایی شده است (شکل ۵).



▲ شکل ۶. نمونه سفال‌های خاکستری محوطه خرمله‌کو (نگارندگان، ۱۳۹۸).

محوطه خرمله‌کو: این محوطه در غرب قبرستان گبری قرار دارد و در جهت شمال شرق-جنوب غرب کشیده شده است. این محوطه سفال‌هایی از نوع خاکستری به دست آمده است (پازوکی، ۱۳۸۰: ۱۸۱). سفال‌های جمع‌آوری شده از این محوطه شامل سفال‌های خاکستری، نخودی با پوشش خاکستری و آجری و دودزده هستند که آمیزه‌ها از ماسه، ماسه و کاه و در سه بافت ظریف متوسط و خشن از گونه دسته، لبه و کف تشکیل شده است (شکل ۶).

محوطه روناسر زیدشت: این محوطه در ضلع جنوبی روستای زیدشت طالقان قرار دارد. محوطه روناسر با وسعتی حدود ۲۵×۴ متر، دارای سفال‌هایی از هزاره اول پیش‌ازمیلاد است. سفال‌های خاکستری برداشت شده از این محوطه، چرخ‌ساز و دارای آمیزه ماسه‌بادی هستند؛ البته نمونه‌های آشپزخانه‌ای با پخت ناکافی و آمیزه شن نیز در بین آن‌ها قابل مشاهده است (شکل ۷). وجود نمونه سفال‌های آشپزخانه‌ای در گورستان تا حدودی عجیب است؛ زیرا این نوع سفال‌ها عمدتاً کاربرد روزانه داشته‌اند (دارابی و نیازی، ۱۳۹۰: ۵۸). در میان مجموعه سفالی این محوطه، فنجان‌های دسته‌دار مشابه محوطه‌های قیطریه (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۰: ۹۱) و گوی تپه (مدودسکایا، ۱۳۸۰: ۲۱۱)، خورویین و پردیس (آقالاری، ۱۳۸۷: طرح ۵-۶) وجود دارد. نمونه ظروف پایه‌شیپوری به دست آمده از این محوطه در خورویین (Vanden Bergeh, 1964: Pl. xvi)، قیطریه (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۰: ۵۱) و حسنلو (دانتی، ۱۳۹۶: ۲۷۸) نیز مشاهده شده است.



▲ شکل ۷. نمونه سفال‌های خاکستری محوطه روناسر زیدشت (نگارندگان، ۱۳۹۸).

قلاع گنی نارین: این محوطه در ۳۰ کیلومتری شمال شرق شهر طالقان واقع شده است. سطح این قلعه ۲۰×۲۵ متر و آثاری از سفال‌های خاکستری هزاره اول از آن به دست است. آمیزه تمامی سفال‌ها ماسه و کاه با سه بافت ظریف، متوسط و خشن را دربر دارد (پازوکی، ۱۳۸۰: ۴۴۵). در بین سفال‌ها یک نمونه سفال کف تخت خاکستری (شکل ۸) رنگ به دست آمده که قابل مقایسه با سفال محوطه قیطریه (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۰: ۵۹) است؛ همچنین سفال‌هایی با لبه‌های به خارج برگشته به رنگ کرم و نخودی نیز دیده می‌شود که مشابه آن در محوطه‌های حسنلو (دانتی، ۱۳۹۶: ۲۷۶) و قیطریه (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۰: ۷۸) یافت شده است.



▲ شکل ۸. نمونه سفال‌های خاکستری قلاع گنی (نگارندگان، ۱۳۹۸).



▲ شکل ۹. نمونه سفال‌های خاکستری محوطه اشکارچوروکش (نگارندگان، ۱۳۹۸).



▲ شکل ۱۰. نمونه سفال‌های خاکستری تپه معدن (نگارندگان، ۱۳۹۸).

محوطه اشکارچوروکش: این محوطه در جبهه شرقی جاده جدید طالقان به کرج قرار دارد. قطعات سفالی به دست آمده از این محوطه، با رنگ خاکستری روشن، چرخ‌ساز و دارای آمیزه ماسه بادی با پخت کافی است. ظروف لوله دار مینیاتوری، پایه بلند، و ظروف با کف تخت را انواع سفال‌های شاخص این محوطه هستند که قابل مقایسه با محوطه‌های فلات مرکزی، مانند: قیطره، ازبکی، پردیس (دارابی و نیازی، ۱۳۹۰: ۶۰) و خورویین (Vanden Bergh, 1964: 6, Tombe 3. 3) است. نمونه‌های دیگچه کروی دهانه‌باز با لبه به بیرون برگشته از این محوطه به دست آمده (شکل ۹) که نمونه آن از محوطه‌های حسنلو (دانتی، ۱۳۹۶: ۲۸۶ و ۲۷۶) نیز شناسایی شده است.

محوطه فشندک: هیچ‌گونه اطلاعاتی از موقعیت و مشخصات این محوطه پیش‌تر منتشر نشده و صرفاً وجود یک ظرف سفالی سالم که با نام این محوطه در بانک سفال موزه ملی ثبت شده، باعث گردیده تا در فهرست محوطه‌های عصر آهن منطقه مورد بررسی قرار گیرد. ظرف سفالی به دست آمده، دارای بدنه خاکستری و آمیزه ماسه بادی بوده و یک دسته عمودی و نوار برجسته افقی روی شانه دارد؛ همچنین روی دسته ظرف یک برجستگی وجود دارد. با وجود این که از هویت و محل پیدایش ظرف سفالی مذکور اطلاعی در دست نیست، احتمال دارد که از یک گور به دست آمده باشد (دارابی و نیازی، ۱۳۹۰: ۵۷). براساس نوار برجسته روی بدنه ظرف، شباهت بسیاری با نمونه‌ای از گورستان تپه صرم دارد (بحرانی‌پور، ۱۳۸۵؛ طلایی، ۱۳۸۷: ۱۰۱)، با این تفاوت که در نمونه مذکور به جای برجستگی روی دسته، سربیک قوچ وجود دارد (دارابی و نیازی، ۱۳۹۰: ۵۷)؛ از دیگر نمونه‌های نوارهای برجسته روی ظروف عصر آهن در محوطه‌های قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۸۸)، تندوین و مریان (خلعتبری، ۱۳۸۳: ۲۷۷) نیز به دست آمده است.

تپه معدن: تپه معدن در حوالی روستای فشندک در فاصله ۱۱ کیلومتری جنوب غرب مرکز طالقان واقع شده است. سفال‌های این محوطه از گونه خاکستری کم‌رنگ با پخت کافی و آمیزه ماسه بادی چرخ‌ساز است (دارابی و نیازی، ۱۳۹۰: ۵۷)، (شکل ۱۰). در میان سفال‌ها، کف‌های صاف، ظروف پایه‌دار مشابه نمونه‌های خورویین (Vanden Bergeh, 1964: Pl. xiv)، قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۷۸)، لیوان مشابه نمونه‌هایی از خورویین (Vanden Bergeh, 1964: Pl. xii)، ظروف گلدانی شکل، کاسه‌های دهانه‌باز، مانند نمونه‌های قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۸۳) و لوله ناودانی نمونه‌های قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۱۷۶) و خورویین (Vanden Bergeh, 1964: Pl. iii) نیز به چشم می‌خورد؛ همچنین یک نمونه بدنه با نقش برجسته زیگزاگی شکل، مانند نمونه‌های قبرستان گبری و محوطه هورسی بند نیز به دست آمده است. لازم به ذکر است که در یکی از لبه‌های مربوط به کاسه دهانه‌باز، دو سوراخ در کنار هم تعبیه شده که از این حیث قابل مقایسه با نمونه‌ای از محوطه‌های دینخواه و حسنلو در عصر آهن I (دانتی، ۱۳۹۶: ۲۸۰؛ مدودسکایا، ۱۳۸۳: ۲۱۰) است.

محوطه لمبران: محوطه لمبران در حدفاصل میان روستاهای خچیره و گته‌ده در ضلع شمالی رودخانه شاهرود و جاده طالقان و در فاصله تقریبی ۲۳ کیلومتری شهرک واقع شده است. آثار دیواره‌های سنگی گورهایی که مربوط به هزاره اول پیش از میلاد و متعلق به فرهنگ سفال خاکستری است، به‌طور اتفاقی در جریان تعریض جاده شناسایی شده است (امیری، ۱۳۸۱). در حین بررسی سطحی از این محوطه، آثاری نظیر: سفال خاکستری (شکل ۱۱)، سنجاق‌های مفرغی و آهنی، انگشتر، دستبند، مهره‌های زینتی،

دانه‌های گردنبند و قطعات مختلف فلز به دست آمده است (پازوکی، ۱۳۸۰: ۹۶). به طور کلی، ظروف و قطعات شکسته سفالی لمبران، شامل ویژگی‌های ذیل است و از شاخص‌ترین محوطه‌های این منطقه از منظر یافته‌های سفالی نیز به شمار می‌آید.
الف: ظروف سفالی شامل: فنجان‌های کوچک، ناقص و ترک‌دار و تئنگ دسته‌دار لبه‌شراه‌ای به رنگ قرمز شنگرفی با نقش آخرایبی بر روی شانه و بدنه در کف قابل مقایسه با قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۶۲)، خورویین (Vanden Bergeh, 1964: Pl. xii) به دست آمده است.

ب- قطعات شکسته سفالی شامل: لبه، بدنه، کف، دسته، لوله‌های دهانه منقاری یا ناودانی، مانند قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۱۷۶) و خورویین (Vanden Bergeh, 1964: Pl. iii)، که همگی به رنگ خاکستری بوده و فقط دو ظرف از گور شماره ۳ به دست آمده است. تکه‌های شکسته سفالی، همگی ساده بوده و به ندرت دارای نقوش متنوع بر روی ظروف مربوط به خود هستند. این نقوش شامل: خطوط مقطع و جناقی و خطوط موازی است که به صورت افزوده و گنده بر روی شانه و زیر لبه و دور دهانه ظروف به کار رفته است (امیری، ۱۳۸۱: ۱۷۰). نمونه فنجان‌های به دست آمده از این محوطه در مریان و تندوین (خلعتبری، ۱۳۸۳: ۲۷۱)، قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۷۷) و خورویین (Vanden Bergeh, 1964: Pl. xii) نیز به دست آمده است.

محوطه پولاددره: در بانک سفال موزه ملی، یک مجموعه سفالی با انتساب به این محوطه و با تاریخ کلی مفرغ و آهن ثبت شده است. این مجموعه به دو گروه خاکستری (کم‌رنگ و تیره) و قرمز آجری تقسیم می‌شود (شکل ۱۲). در میان سفال‌های خاکستری، که چرخ‌ساز هستند، فنجان‌های دسته‌دار مشابه نمونه‌های قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۹۱) و گوی تپه (مدودسکایا، ۱۳۸۳)، تغار مشابه نمونه‌هایی از سیلک (Ghirshman, 1939: P. IXLI)، قیطریه (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۷۷)، خورویین و پردیس (آقالاری، ۱۳۸۷: طرح، ۵-۶)، کاسه با دهانه باز، ظروف مینیاتوری و نیز یک نمونه با نقش برجسته زیگزاگی مشابه نمونه‌های به دست آمده از محوطه‌های هورسی بند و قبرستان گبری دیده می‌شود (دارابی و نیازی، ۱۳۹۰: ۵۹).



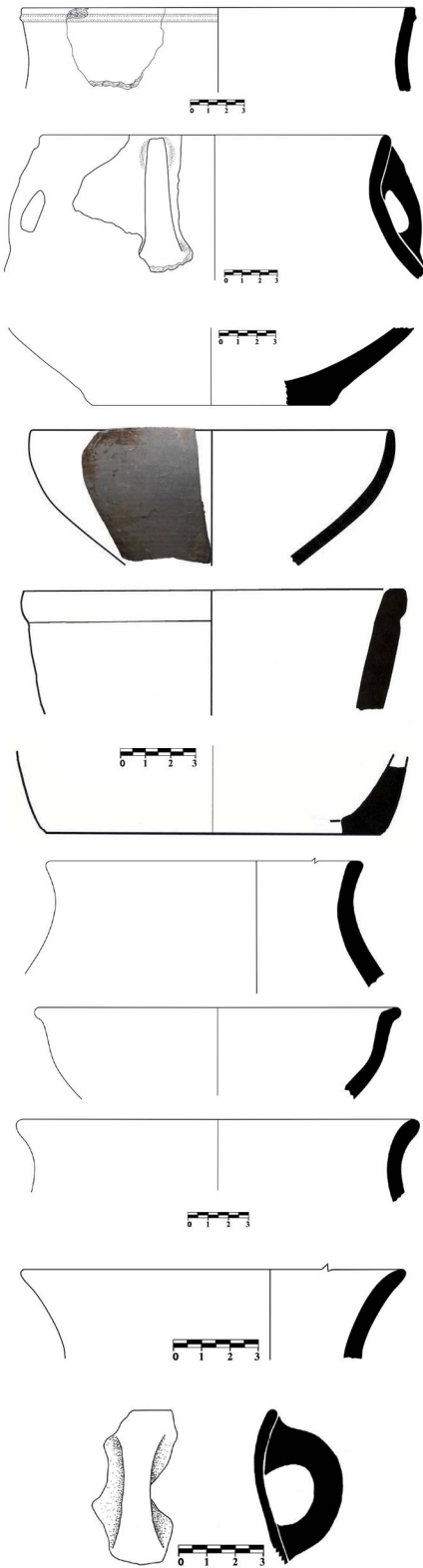
▲ شکل ۱۱. نمونه سفال‌های خاکستری محوطه لمبران (نگارندگان، ۱۳۹۸).



▲ شکل ۱۲. نمونه سفال‌های خاکستری محوطه پولاددره (نگارندگان، ۱۳۹۸).

گونه‌شناسی سفال خاکستری عصر آهن طالقان

با توجه به مطالعه سفال‌های به دست آمده از منطقه طالقان، سفال خاکستری بیشترین و شاخص‌ترین ظروف سفالی مجموعه عصر آهن را دربر می‌گیرد که دارای رنگ خاکستری روشن تا تیره است (شکل ۱-۱۲). تمامی رنگ سطح سفال به صورت یکنواخت و یکسان نبوده و گاهی در برخی نقاط کمی تیره و برخی قسمت‌ها روشن‌تر است که شاید به دلیل شرایط ناهمگون پخت و حرارت نامتوازن، ایجاد شده است. براساس تکه‌های ظروف شکسته، خمیره (مغز) سفال‌ها خاکستری و گاهی قهوه‌ای تیره است. سطح تمامی سفال‌ها صیقلی و براق است. در برخی موارد استفاده از طرح‌های ساده داغدار خطوط زیگزاگی منظم و افقی نامنظم، نقوش کنده مورد استفاده قرار گرفته است (شکل ۴ و ۱۱). در مجموع، گونه‌های سفال خاکستری ناحیه طالقان (طرح ۱) را می‌توان از نظر شکل ظروف به گروه‌های پیش‌رو تقسیم می‌شوند: ۱- ظروف با دسته‌های حلقوی و عمودی متصل به بدنه ظرف (۳، ۶، ۹، ۱۱)، ۲- ساغریا کف‌های تکه‌ای، ۳- ظروف با کف‌های صاف (شکل ۱، ۷، ۸، ۱۲)، ۴- ظروف کوچک مینیاتوری با بدنه کروی و کف دکمه‌ای شکل (شکل ۲ و ۳)، ۵- ظروف لبه‌دار، ۶- ظروف لوله‌دار با لوله متصل به بدنه،



▲ طرح ۱. نمونه سفال‌های خاکستری منطقه طالقان (نگارندگان، ۱۳۹۸).

۷- ظروف لوله‌دار مینیاتوری، ۸- ظروف با کف تخت (شکل ۱)، ۹- ظروف پایه‌بلند دسته‌دار، ۱۰- ظروف با کف صاف و دسته عمودی، ۱۱- جام‌های (? پایه‌دار با کف صاف، ۱۲- لیوان، ۱۳- ظروف گلدانی شکل، ۱۴- کاسه‌های دهانه‌باز، ۱۵- ظروف با لوله ناودانی، ۱۶- کاسه دهانه‌باز با دو سوراخ کنار هم در لبه، ۱۷- ظروف کف‌دار، ۱۸- فنجان‌های دسته‌دار، ۱۹- تگار، ۲۰- ظروف کوچک و بزرگ مصرفی، ۲۱- کاسه‌های دهانه‌باز لبه‌دار، ۲۲- سبوها، ۲۳- ظروف آشپزخانه‌ای (برای اطلاع بیشتر، ک. به: پازوکی، ۱۳۸۲؛ دارابی و نیازی، ۱۳۹۰).

وجود شاخصه‌های سفالی از قبیل: ظروف لوله‌دار، ساغر، فنجان، ظروف پایه‌دار، ظروف ته‌دکمه‌ای و نیز کاسه‌ها، مهم‌ترین شاخصه‌های گاهنگاری نسبی محوطه‌های عصر آهن منطقه طالقان به‌شمار می‌روند (شکل ۱ تا ۱۲). ظروف با لوله ناودانی از شاخصه‌های عصر آهن I هستند. نمونه‌های سفالی دوره آهن این منطقه شباهت زیادی به نمونه‌های محوطه‌های عصر آهن فلات مرکزی را نشان می‌دهد که در بخش معرفی محوطه‌ها بدان اشاره گردید؛ این تشابهات در نوع فرم‌های سفالی دوره آهن که از دره طالقان به دست آمده‌اند، قابل توجه است و به نوعی جوامع حاضر در این دره را می‌توان جوامعی تابع از محوطه‌های شاخص فلات مرکزی دانست که در این ناحیه حضور داشته‌اند. بر همین اساس سفال خاکستری ناحیه مذکور، احتمالاً محصول ارتباط این منطقه با جوامع پیشرفته در دیگر نقاط فلات مرکزی به خصوص در شمال مرکزی و همجوار خود، مانند محوطه‌های ازبکی، سگزآباد (برای اطلاع بیشتر در این باره، ک. به: نقشینه، ۱۳۷۵) و... در ارتباط بوده است.

الگوی استقراری عصر آهن طالقان

جوامع کوچ‌رو با معیشت دام‌پروری و رمه‌دار، جوامع پویای را ترسیم می‌کنند که تلاش گروه‌های مختلف انسانی را در جهت بهره‌مندی از اقلیم و محیط خود، با ساختاری نظام‌مند اقتصادی و اجتماعی را به تصویر می‌کشد. این جوامع دارای ویژگی‌هایی از ساختار نظام‌مند اجتماعی و اقتصادی هستند که همواره وابسته به فضای جغرافیایی پیرامون خود بوده‌اند. توزیع و الگوی استقراری جوامع کوچ‌رو که همواره ناگزیر در حرکت و جابه‌جایی بوده‌اند، طیفی از سکونت‌گاه‌ها و منزل‌گاه‌ها را در زمین‌سیمای کوهستانی و حاشیه دشت‌های دارای پتانسیل و مراتع مورد نیاز احشام را برجای گذارده‌اند. در بین مسیرهای حرکتی و ماندگاه‌های جوامع متحرک و نیمه‌متحرک، مناطق مختلفی وجود دارند که در فصول سرد تحت عنوان «قشلاق»، و در فصول گرم تحت عنوان «بیلاق»، شناخته می‌شوند. جوامع کوچ‌رو، بیش از جوامع یکجانشین وابسته به ویژگی‌های طبیعی و زمین‌سیمای هستند. از دیرباز جغرافیای اقلیمی مناطق مختلف ایران در سلسله جبال زاگرس و البرز سرشار از چنین اقلیم‌هایی است که از هزاره‌های پیش از میلاد و از جمله عصر آهن، جوامع نیمه‌یکجانشین را به شیوه کوچ‌روی به راهبردهای تولید فرآورده‌های دامی معطوف ساخته که در طول هزاره‌های مختلف از ابتدایی‌ترین تا پیچیده‌ترین گونه‌ها را دربر داشته است. یکی از جوانب فرهنگی ملموس جوامع کوچ‌رو، استقرارگاه‌های آن‌هاست که در مطالعات باستان‌شناسی، بسیار حائز اهمیت است؛ که در برخی موارد دارای ویژگی‌های منحصر به فرد در چینش و توزیع، نسبت به جوامع یکجانشین کشاورزپیشه بوده و گاهی در کنش‌های رفتاری محیطی و فرهنگی خود مکمل یکدیگر بوده‌اند. بسیاری از این کنش‌ها شبیه به هم بوده، و حتی در برخی مواقع کارکردی متفاوت

دارند که در زمین سیما به عنوان یک بافت زیستی، دارای معنا و مفهومی واحد و مشترک بوده‌اند. شکل‌گیری استقرارهای جوامع کوچ‌رو، وابسته به عواملی مانند: فصل و وضعیت مراتع بوده که در این میان، چگونگی دسترسی به آب و غذا در زمین سیما از اولویت‌های نخستین آن به‌شمار می‌آمده است؛ بنابراین، در بیشتر مواقع جوامع نیمه‌یکجانشین، زمین‌سیمیای جغرافیایی را اشغال کرده‌اند که دارای ویژگی‌های یاد شده باشند.

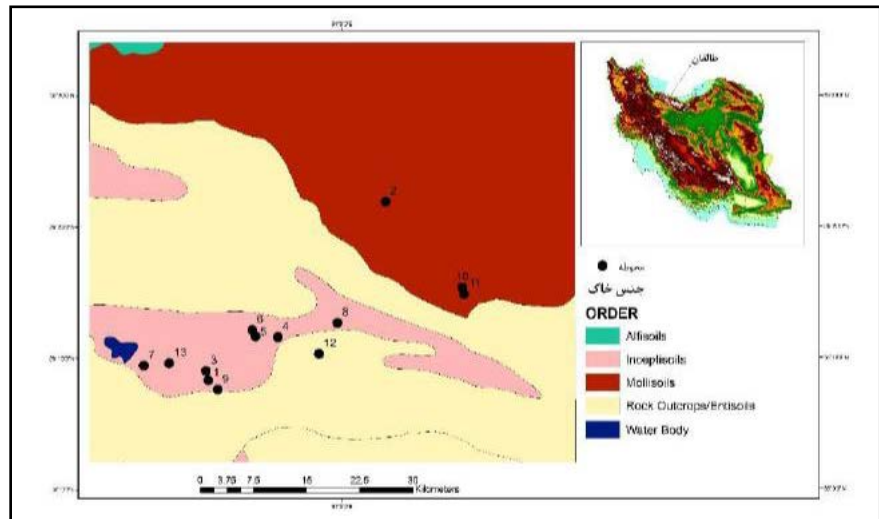
از زمین‌سیمیای جغرافیایی محیطی دارای مرتع و پتانسیل‌های معیشتی چنین جوامعی در سلسله جبال البرز، باید منطقه طالقان را در نظر داشت که سبب جذب جوامعی نیمه‌یکجانشین در عصر آهن بوده است. دسترسی به منابع آب، شیب، فاصله از مرتع، فاصله از استقرارها و امنیت، از عوامل مؤثر در زمین‌سیمیای طالقان بوده است. با استناد به مطالب پیشین، بیلاق‌ها در فصول گرم مورد استفاده بوده و با توجه به شرایط اقلیمی حاکم در آن، نیازی به ساخت منزل‌گاه‌های (سازه‌هایی) با امنیت بالا در حفظ ساکنین آن از عوامل طبیعی در دامنه کوهستان‌ها نبوده و دارای بقایای مواد فرهنگی واقری نیستند؛ بنابراین، وجود استقرارهای با لایه‌ها و نهشته‌های فرهنگی حجیم در چنین مواقعی دور از انتظار است. از ویژگی‌های عمومی این‌گونه استقرارها، قرارگیری در بستر دره کم‌عمق در بلندی نسبت به دشت (دامنه‌ها) است. فضاهای مسکونی در چنین جوامعی عموماً یک سنگ‌چین مدور با فضا سازی یک چادر یا در مواقعی با استفاده از مواد و مصالح مقاوم و روشمندی نبوده است؛ در مقابل، حضور قبرستان‌های متعدد در دامنه‌ها نسبت به محوطه‌های استقرار، برآیند چنین جوامعی بوده است.

در این پژوهش، ۱۳ استقرار در زمین‌سیمیای مراتع بیلاقی منطقه طالقان مورد بررسی قرار گرفت که دارای تمامی ویژگی‌های یاد شده است؛ حضور محوطه‌هایی کوچک با لایه‌ها و مواد فرهنگی ضعیف، حضور قبرستان‌ها و تنها یک محوطه با ویژگی قلاع منحصر به فرد عصر آهن (احتمالاً دارای حصار و برج و بارو) از ویژگی‌های مهم استقرارهای عصر آهن این منطقه است. در این بین، با توجه به فقر عناصر مختلفی مانند: معماری و یافته‌های فرهنگی دیگر، به ناچار با آثار سطحی و زمین‌سیمیای شکل‌گیری این استقرارها مورد توجه خواهد بود و در تحلیل آن باید مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی با عواملی مانند: فضا، مکان و زمان مدنظر قرار گیرد. در ادامه به تحلیل زمین‌سیمیای منطقه و چگونگی توزیع استقرارهای آن پرداخته خواهد شد.

توزیع مکانی: از میان ۱۳ محوطه شناسایی شده عصر آهن منطقه طالقان، ۸ محوطه در زمین‌های مستعد با قابلیت کشاورزی و زراعت آبی محدود قرار گرفته است و ۵ محوطه در مراتع غنی و مطلوب فاقد ارزش کشاورزی در راستای بهره‌مندی احشام قرار دارند (نقشه ۱).

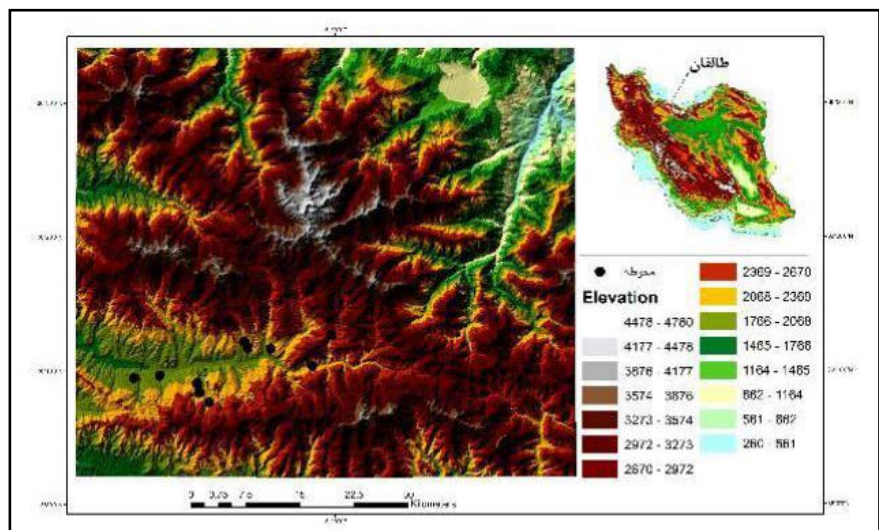
همچنین از میان ۱۳ محوطه شناسایی شده عصر آهن منطقه، ۹ محوطه در مکان‌هایی واقع شده است که دارای خاک با شرایط معمولی (Inceptisol) برای کشاورزی و ۳ محوطه در زمین‌هایی واقع گردیده که مناسب برای کشاورزی بوده و دارای مواد معدنی (Mollisol) نسبت به خاک (Inceptisol) می‌باشند. اطراف این محوطه‌ها با زمین‌های سنگلاخی (Rock Outcrops/Entisols) پوشیده شده است که تا حدودی برای کشاورزی مناسب نبوده و فقط یک محوطه در این نوع خاک قرار گرفته است (نقشه ۲). در واقع شیب تند کوه‌ها از شمال به جنوب، به‌ویژه در منطقه غرب طالقان و حکمرانی فرسایش آبی، سبب محدودیت برای تشکیل خاک شده است. این منطقه دارای ناهمواری‌های بدون پوشش خاکی است (مهندسان مشاور برنامه‌ریزی چشم‌انداز، ۱۳۸۸: ۲۰).

► نقشه ۲. پراکنش محوطه‌های عصر آهن طالقان براساس جنس خاک (نگارندگان، ۱۳۹۸).

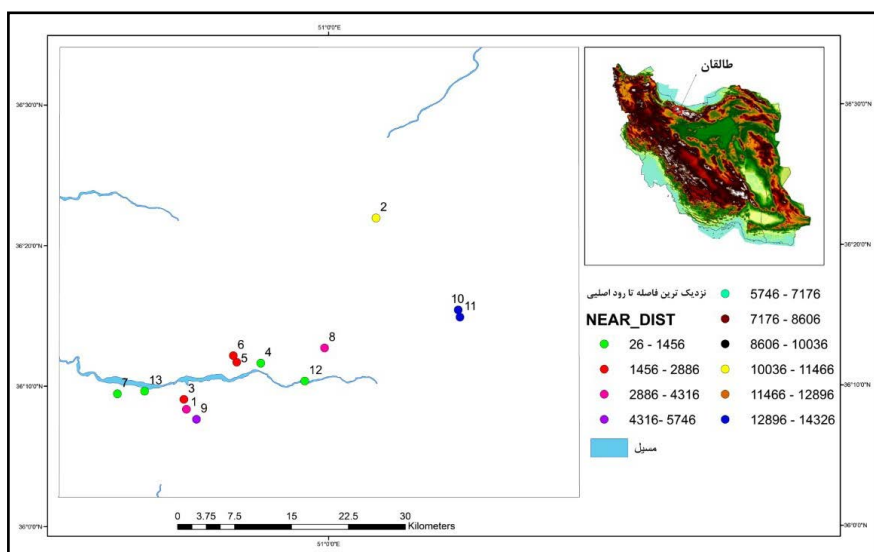


توزیع فضایی: از میان ۱۳ محوطه شناسایی شده عصر آهن منطقه، ۳ محوطه در ارتفاع ۲۰۶۸-۱۷۶۶ متری از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته، ۷ محوطه در ارتفاع ۲۳۶۹-۲۰۶۸ متری از سطح آب‌های آزاد، ۲ محوطه در ارتفاع ۲۶۷۰-۲۳۶۹ متری از سطح آب‌های آزاد و فقط ۱ محوطه در ارتفاع ۲۹۷۲-۲۶۷۰ متری از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته است؛ بنابراین از منظر توزیع فضایی، در حالت کلی این محوطه‌ها در ارتفاع ۱۷۶۶ تا ۲۹۷۲ متری از سطح آب‌های آزاد پراکنده شده‌اند (نقشه ۳).

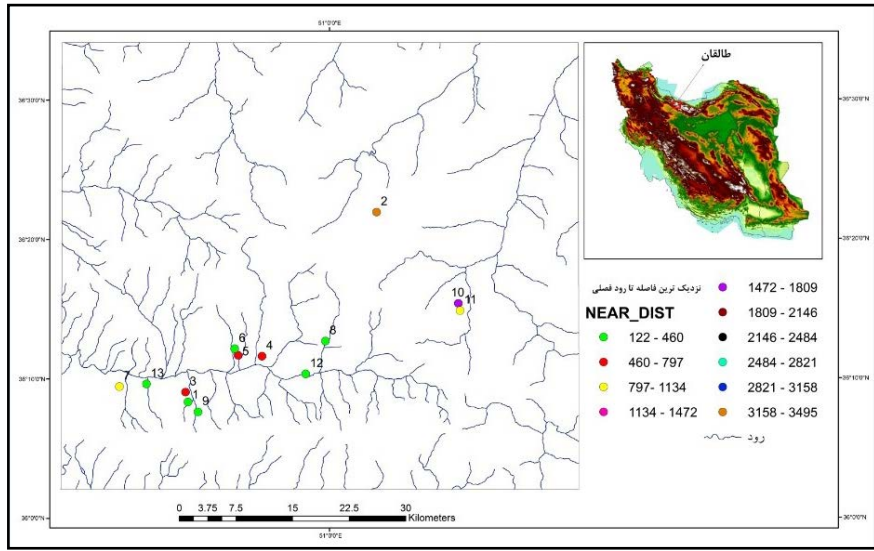
► نقشه ۳. پراکنش محوطه‌های عصر آهن طالقان بر اساس میزان ارتفاع (نگارندگان، ۱۳۹۸).



از منظر دسترسی به آب، از میان ۱۳ محوطه شناسایی شده عصر آهن منطقه، ۴ محوطه در فاصله ۱۵۰۰ متری از رودخانه (اصلی) و سه محوطه دیگر در فاصله ۲۹۰۰ متری، ۳ محوطه در فاصله ۵۸۰۰ متری، یک محوطه با فاصله ۱۰ کیلومتری و ۲ محوطه در فاصله ۱۴ کیلومتری از رودخانه اصلی و به صورت خطی توزیع شده‌اند (نقشه ۴). در مجموع، فاصله این محوطه‌ها تا رودخانه‌های فصلی، خیلی کمتر بوده است. ۶ محوطه در فاصله ۵۰۰ متری از رودخانه‌های فصلی، ۳ محوطه در فاصله ۸۰۰ متری ۲ محوطه در فاصله ۱۲۰۰ متری، ۱ محوطه در فاصله ۲ کیلومتری و آخرین محوطه که در بالاترین ارتفاع قرار دارد، ۳۵۰۰ متر از نزدیک‌ترین رودخانه فصلی، فاصله دارد (نقشه ۵).



نقشه ۴. پراکنش محوطه‌های عصر آهن طالقان براساس فاصله محوطه‌ها از رودخانه‌های اصلی (نگارندگان، ۱۳۹۸).



نقشه ۵. پراکنش محوطه‌های عصر آهن طالقان براساس فاصله محوطه‌ها از رودخانه‌های فصلی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

پیش‌تر در بحث جغرافیا نیز اشاره شد که این ناحیه از منظر زمین‌سیما دارای دامنه‌های مرتفع بوده و به لحاظ توپوگرافی و ریخت‌شناسی در یک منطقه‌ای واقع شده است که از اطراف توسط کوه‌ها محاصره شده و در حقیقت در یک دره بن بست قرار گرفته که به واسطه کوه‌های رشته‌کوه البرز محاط شده و یک حوضچه را تشکیل داده است؛ لذا گسترش سکونتگاه‌های موجود نیز در ارتباط با این وضعیت توپوگرافی بوده و عمدتاً در اطراف رودخانه‌ای که از داخل دره عبور می‌کند، گسترش یافته‌اند؛ به عبارتی دیگر، این ناحیه کاملاً متکی به منبع آب سطحی است که در آن جریان دارد و از شرق محدوده به سمت غرب حرکت می‌کند.

بحث و تحلیل

در مورد عصر آهن و چگونگی پیدایش سفال خاکستری، پس از جنگ جهانی دوم و ورود تفکرات و رویکردهای جدید به عرصه باستان‌شناسی ایران و خصوصاً با شروع فعالیت باستان‌شناسان دانشگاه‌های آمریکا و کانادا، نگرش جدیدی در این عرصه پدید آمد. در

این دوره، فعالیت این گروه از باستان‌شناسان در غرب ایران، به شدت توسعه یافت و قسمت‌های عمده‌ای از این منطقه مورد بررسی‌های گسترده باستان‌شناسی قرار گرفت و در ده‌ها محوطه تاریخی، کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفت. رابرت دایسون، کایلریانگ و لوئیس لوین، از مهم‌ترین این باستان‌شناسانی بودند که با رویکرد جدیدی به موضوع پرداختند. نگرش این باستان‌شناسان ارائه فرضیه جدیدی دال بر «حرکت و جایگزینی فرهنگی» بود. اساس نظریات، تکیه بر گونه‌شناسی و پیدایش سفال نوین است (ر. ک. به: Young, 1965) که بخش قابل توجه آن از قبور به دست آمده است. در اواخر دهه ۱۹۶۰ م. زمانی که نظریه اقوام هند و اروپایی در ایران مطرح گردید؛ این نظریه تحت تأثیر مطالعات زبان‌شناسان و مورخین روس بود؛ به طور مثال، مدودسکیا ضمن مطالعه اشیای مکشوف از قبور هزاره اول پیش از میلاد، نتیجه می‌گیرد که تداوم فرهنگی فرهنگ‌های عصر مفرغ است (Medvedskaya, 1982: 96). وی با مطالعه دقیق داده‌ها معتقد است که تغییر چشمگیری در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد رخ نداده است و تغییر اندک در اشیاء و سفال‌ها ناشی از یک تکامل است و بحث از تحول و مهاجرت یکجا، رابی مورد می‌داند (محمدی‌فرو و مترجم، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۹؛ همچنین برای اطلاع بیشتر از -پویایی، حرکت و جایگزینی فرهنگی عصر آهن- ر. ک. به: طلایی، ۱۳۷۶؛ ۱۳۷۴؛ سرلک، ۱۳۹۸).

با حضور فرهنگ‌های عصر آهن در مناطق مختلف فلات مرکزی با محوطه‌هایی مانند: تپه پردیس (Fazeli et al., 2007)، قلی درویش (سرلک، ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۳)، صرم (کاووسی، ۱۳۹۵؛ پوربخشنده ۱۳۸۲؛ سرلک، ۱۳۸۲؛ بحرانی‌پور، ۱۳۸۵)، ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۸۹)، سگزآباد (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۵۶)، قیطریه (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۰)، خورویین (Vanden Bergh, 1964)، سیلک (Ghirshman, 1939)، حصار (Schmidt, 1937)، تپه شغالی (تهرانی‌مقدم، ۱۳۷۱؛ حصاری، ۱۳۸۷)، سفالین (حصاری، ۱۳۹۶)، چالتاسیان (یوسفی‌زشک، ۱۳۹۲)، شمشیرگاه (فهیمی، ۱۳۸۲)، معمورین (مهرکیان، ۱۳۷۴) و... با حضور چشمگیر انواع گورها و قبرستان‌های مرتبط با این محوطه‌ها، همچنان بحث فرضیه -حرکت و جایگزینی فرهنگی- به قوت خود باقی می‌ماند. مُراد از این بحث، چگونگی ارتباط بین قبرستان‌ها با جوامع تازه وارد نیمه یکجانشین و گاهی بدون سرپناه دائمی در حاشیه دشت‌های مناطق هسته‌ای، مانند فلات مرکزی است. آن‌چه مسلم است، بیشترین یافته‌های باستان‌شناختی عصر آهن معطوف به یافته‌های گورستان‌هاست؛ این خصیصه در منطقه طالقان نیز چشمگیر و قابل توجه است. براساس آن‌چه نوع استقرارها و ریخت‌شناسی سفالی در محوطه‌های این منطقه نمایان است، ورود اقوام مهاجم و تازه‌وارد با نیم‌نگاهی به نواحی حاشیه‌ای با پتانسیل‌های غنی با رویکرد کوچ‌روی، آغاز نوعی دگرگونی فرهنگی در این بازه زمانی را مشخص می‌سازد. از مناطقی که در حوزه فرهنگی فلات مرکزی می‌توانسته تحت تأثیر و اشاعه و حتی دگرگونی‌های فرهنگی در حاشیه دشت‌های فلات مرکزی در دامنه‌های کوهستانی قرار گیرد، منطقه طالقان است؛ این ناحیه با تأثیری از هسته‌های اصلی خود در مراکز دشت‌های شمالی فلات مرکزی تحت تأثیر دگرگونی و تغییرات فرهنگی واپسین عصر مفرغ بوده و با ظهور چشمگیر استقرارهایی از عصر آهن و مواد فرهنگی مختص زیرفازهای آن، بار دیگر مسئله مهاجرت، و تفکرات و رویکردهای جدید عرصه باستان‌شناسی (طلایی، ۱۳۷۶) در مورد پیدایش و ظهور سفال خاکستری (نقشینه، ۱۳۷۵) مرتبط با مهاجرت و پویایی فرهنگی را ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

با مطالعه و بررسی محوطه‌های عصر آهن دره میان‌کوهی طالقان، می‌توان دریافت این منطقه در نواحی شمالی فلات مرکزی از جمله مناطق فرهنگی قابل تأمل دوره یاد شده قرار دارد که با طرح سه پرسش قابل طرح و تحلیل است.

- پرسش اول، گونه‌ها و الگوی پراکنش محوطه‌های عصر آهن منطقه طالقان از چه شاخصه‌ای برخوردارند؟ نتایج نشان داد، از تأثیرگذارترین عوامل شکل‌گیری استقرارهای جوامع انسانی، زمین‌سیما و جغرافیای محیطی است که حوزه مورد مطالعه نیز از این قاعده مستثنی نبوده است؛ با توجه به کوهستانی بودن منطقه و برخورداری از مرتع و پتانسیل‌های معیشتی مختص جوامع نیمه‌یکجانشین فصلی رمه‌دار، باعث جذب جوامعی نیمه‌یکجانشین از عصر آهن در این منطقه شده است. همان‌گونه که اشاره شد، دسترسی به منابع آب، شیب، فاصله از مرتع، فاصله از استقرارها و امنیت، از عوامل مؤثر زمین‌سیمی ماندگاه‌های چنین جوامعی در تأمین خوراک و تغذیه احشام به‌شمار می‌آید. منطقه طالقان به‌عنوان بیلاق در فصول گرم و به‌صورت فصلی مورد استفاده بوده و در پس آن، ۱۳ استقرار در مراتع بیلاقی این منطقه از عصر آهن شکل گرفته است؛ درجه ارتفاعی منطقه (بالای ۲۰۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد) و سردسیر بودن این ناحیه در بیشتر ماه‌های سال، حضور محوطه‌هایی کوچک با نهشته‌ها و مواد فرهنگی ضعیف، حضور قبرستان‌ها و تنها یک محوطه با ویژگی احتمالی قلاع منحصربه‌فرد عصر آهن، همگی مهر تأییدی است بر این ادعا.

- پرسش دوم، ظهور سفال خاکستری منطقه طالقان پی‌آمد استقرارهایی با یک فرهنگ جدید است یا فرآیند یک فرهنگ تطوریافته درون منطقه‌ای بوده است؟ سفال خاکستری طالقان در سه طیف رنگی: خاکستری، خاکستری تیره، خاکستری روشن و در سه جنس: خشن، متوسط و ظریف ساخته شده است. در ساخت مجموعه سفال‌های خاکستری ناحیه مذکور از دو تکنیک چرخ‌ساز و دست‌ساز استفاده شده است. شیوه تزئین سفال خاکستری ناحیه طالقان عمدتاً به‌صورت نقش‌کنده، افزوده و برجسته، محدود و انگشت‌شمار است؛ نوع تزئین هم عموماً هندسی؛ به‌شکل خطوط افقی، زیگزاگی و عمودی است. عمده‌ترین سفال‌های خاکستری ساده بدون نقش و مربوط به عصر آهن I است. این وضعیت مطابق با محوطه‌های شاخص این دوره، مانند: سیلک A، خوروبین، سگزآباد، ازبکی و... بوده است که با توجه با نظریات ارائه شده توسط محققین این محوطه‌ها، ظهور آثار و نهشته‌های فرهنگی عصر آهن در آن‌ها، منطبق با اقوام تازه‌وارد به فلات مرکزی بوده و باید منطقه طالقان را بخش و تابعی از نفوذ فرهنگ‌های درخشان رایج در این حوزه فرهنگی دانست که به‌صورت فصلی در این ناحیه حضور داشته و در نهایت می‌توان سفال خاکستری طالقان را پی‌آمد استقرارهای جدید با چنین جوامعی قلمداد کرد. مطالعه گونه‌شناسی، شیوه تزئین، نوع تزئین و فن‌آوری سفال‌های خاکستری ناحیه مورد بحث نشان می‌دهد که شباهت‌ها با مناطق شمال فلات مرکزی ایران بسیار زیاد است و این خود می‌تواند نشان از سازگاری، کنش و تمایل زیاد ساکنین منطقه طالقان به همگرایی فرهنگی با مردم مناطق همجوار باشد و به‌تبع آن، تفاوت سفال خاکستری محوطه‌های مورد بحث با محوطه‌های شاخص اندک بوده و بر همین اساس واگرایی فرهنگی با مردم مناطق دوردست نیز بسیار کم بوده است.

- پرسش سوم، سفال خاکستری منطقه طالقان محصول یک جامعه پیشرفته با شاخصه‌های جوامع پیچیده شهری است، یا محصول یک جامعه روستایی بوده

است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سفال خاکستری طالقان محصول یک جامعه دامدار کوچ‌نشین یا به احتمالی دیگر، محصول یک جامعه دامدار روستایی است؛ این گفته را نوع گونه‌های مختلف کاربردی ظروف مختص با جوامع دامدار که بیشترین گونه را انواع کاسه‌های ساده بدون نقش تشکیل می‌دهند، به اثبات می‌رسند؛ همچنین بررسی گونه‌ها و نوع توزیع و الگوهای استقراری طالقان نشان می‌دهد، عموماً پراکنش محوطه‌های در راستای برآوردن نیازهای جوامع کوچ‌رو بوده است. وجود نشانه‌هایی چون: صعب‌العبور بودن ناحیه طالقان، عدم برخورداری از محیط و شرایط مساعد و خاک حاصلخیز مناسب با کشاورزی، امکان دسترسی به مراتع و چراگاه‌های بکر دست‌نخورده در این ناحیه و اهمیت آن برای دامداران، ویژگی‌های طبیعی ناحیه و سازگاری آن با شیوه زندگی جوامع دامدار و کوچ‌نشین، (با توجه به کاربری بیلاقی طالقان تا چند دهه اخیر) نیز باعث تقویت این نظریه می‌شود که سفال خاکستری عصر آهن ناحیه طالقان محصول یک جامعه پیشرفته شهری نبوده و عمدتاً مرتبط با جوامع روستایی با کشاورزی محدود و دامداران وابسته به مرتع بوده است. برهمن اساس و با یک دید جامع، سفال خاکستری ناحیه مذکور احتمالاً محصول یک جامعه دامدار کوچ‌نشین یا به احتمالی دیگر، محصول یک جامعه دامدار روستایی وابسته به جوامع پیشرفته در دیگر نقاط فلات مرکزی - به خصوص در شمال مرکزی - آن بوده است.

کتابنامه

- امیری، احمد، ۱۳۸۱، «گزارش پژوهشی گمانه‌زنی اضطرابی گورستان باستانی لمبران طالقان». آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- آقلازی، بابرام، ۱۳۸۷، «بررسی و مطالعه سفالینه‌های عصر آهن دشت ری براساس کاوش‌های گورستان تپه پردیس». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- بحرانی‌پور، حنان، ۱۳۸۵، «بررسی تکنیک سفالگری عصر آهن تپه صرم (کهک قم)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- پازوکی، ناصر، ۱۳۸۰، پژوهش سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، بررسی و شناسایی آثار باستانی و تاریخی فرهنگی حوزه بخشداری تهران.
- پازوکی، ناصر، ۱۳۸۲، آثار تاریخی طالقان جغرافیای تاریخی و محوطه‌های باستانی و بناهای تاریخی. سازمان میراث فرهنگی.
- پوربخشنده، خسرو، ۱۳۸۲، «گزارش فصل سوم کاوش در محوطه باستانی فرهنگ سفال خاکستری تپه صرم، استان قم، بخش کهک، روستای صرم». پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- پورفرج، اکبر، ۱۳۸۶، «بازنگری عصر آهن شمال غرب ایران مطالعه موردی محوطه شهریری اردبیل و قلاع اقماری». رساله دکتری باستان‌شناسی، استاد راهنما: علیرضا هژبری‌نوبری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- توفیقیان، حسین، ۱۳۸۶، «محوطه باستانی واگین سو طالقان». در: گزارش‌های باستان‌شناسی ۷، جلد دوم، مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری: تهران، صص: ۱۱-۱۸.

- تهرانی مقدم، احمد، ۱۳۷۳، «گورستان هزاره اول قبل از میلاد پیشوا». یادنامه گردهمایی شوش، جلد اول، صص: ۵۳-۶۲.
- حدادیان، محمدرضا، ۱۳۹۲، گاه‌نگاری نسبی دشت نظرآباد در دوره ساسانی (براساس داده‌های تینال تپه). چاپ اول، انتشارات رازنهان.
- حصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، «دومین فصل کاوش تپه شغالی». سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (منتشر نشده).
- حصاری، مرتضی، ۱۳۸۸، «گزارش مقدماتی لایه‌نگاری تینال تپه نظرآباد». سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (منتشر نشده).
- حصاری، مرتضی، ۱۳۹۶، «تدفین عصر آهن در مرکز فلات ایران مطالعه موردی: محوطه سفالین، پیشوا». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۷، شماره ۱۵، زمستان، صص: ۱۰۱-۱۱۶.
- خلعتبری، محمدرضا، ۱۳۸۳، کاوش باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تالش - مریان و تندوین. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- دارابی، حجت؛ و نیازی، نازلی، ۱۳۹۰، «محوطه‌های عصر آهن منطقه طالقان، شمال مرکزی فلات ایران». مجله مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان، شماره پیاپی ۴، صص: ۷۶-۵۵.
- دانتی، مایکل، ۱۳۹۶، آذربایجان در گذر از عصر مفرغ به عصر آهن. ترجمه صمد علیون (خواجه دیزج)، تبریز: نشر ترجمه.
- دایسون، رابرت، ۱۳۹۱، «معماری عصر آهن اول در حسنلو و اشارات ضمنی به نظریه‌های مهاجرت». در: مجموعه مقالات معماری حسنلو، گردآوری و ترجمه صمد علیون (خواجه دیزج) و علی صدرائی، پروژه ترجمه حسنلو، صص: ۴۷-۲۷.
- روستایی، کورش؛ و کوهی‌گیلوان، مجید، ۱۳۸۶. «تپه حصار در عصر آهن». نامه پژوهشگاه، شماره‌های ۲۰ و ۲۱. صص: ۸۸-۶۹.
- سرلک، سیامک، ۱۳۸۲، «مجموعه عوامل مؤثر در شکل‌گیری انواع معماری قبور و شیوه‌های تدفین در گورستان عصر آهن تپه صرم-کهک، قم». گزارش‌های باستان‌شناسی ۲، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص: ۱۶۵-۱۲۹.
- سرلک، سیامک؛ کاوسی، عمار؛ و عقیلی، شیرین، ۱۳۹۳. «کاوش‌های فصل هشتم محوطه قلی درویش جمکران - قم». گزارش‌های چهاردهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص: ۲۵۳-۲۴۹.
- سرلک سیامک، ۱۳۹۹، «طرح یک فرضیه در رابطه با علل متروک شدن محوطه‌های پایان عصر مفرغ در شمال شرق و شرق و گذار به آغاز عصر آهن در نیمه شمالی ایران». فصلنامه مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال ۴، شماره ۱۱، صص: ۵۱-۷۳.
- طلائی، حسن، ۱۳۷۴، «ظروف سفالی لوله‌دار و مهاجرت آریایی‌ها». مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۹، شماره ۱، پاییز و زمستان، صص: ۱۵-۹.
- طلائی، حسن، ۱۳۷۶، «پویایی فرهنگی در باستان‌شناسی ایران». یادنامه اولین گردهمایی باستان‌شناسی ایران، شوش: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران. صص: ۲۵۹-۲۶۳.
- طلائی، حسن، ۱۳۸۱، «سنت‌ها و شیوه‌های تدفین در عصر آهن ایران، (حدود ۱۴۵۰-۸۰۰ ق. م.)». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، صص: ۱۷۳-۱۹۲.

- طلائی، حسن، ۱۳۸۷، عصر آهن. تهران: انتشارات سمت.
- فاگان، برایان، ۱۳۸۴، سرآغاز درآمدی بر باستان‌شناسی (اصول، مبانی و روش‌ها)، (جلد ۱). ترجمه غلامعلی شاملو، تهران: انتشارات سمت.
- فراشی ابرقویی، حسین، ۱۳۹۲، «گونه‌شناسی جنگ افزارهای عصر آهن I و II در ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی (منتشر نشده).
- فهیمی، حمید، ۱۳۸۲، «عصر آهن در سیلک: گزارش مقدماتی بررسی سفال‌های عصر آهن در سیلک، نقره کاران سیلک». گزارش فصل دوم طرح بازننگری سیلک، به‌کوشش: صادق ملک‌شهمیرزادی، سازمان میراث‌فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص: ۷۹-۱۲۷.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۴۸، «کاوش در قبور باستانی قیطریه». مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۲، شماره پیاپی، صص: ۶۸ - ۵۷.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۰. تهران سه هزار و دویست ساله براساس کاوش‌های باستان‌شناسی. تهران: فضا.
- کوثری، یحیی، ۱۳۵۵، «بررسی‌های استان مرکزی ۴-۱۳۵۳». در: گزارش‌های چهارمین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، مرکز باستان‌شناسی.
- مترجم، عباس؛ و سیاسی، ناهید، ۱۳۹۵، «بررسی تغییرات الگوهای پراکنش محوطه‌های دوره‌های مفرغ و آهن در دشت چمچمال (زاگرس مرکزی)». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، سال ۶، شماره ۱۱، صص: ۷۵-۹۰.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۸، نخستین و دومین فصل حفاریات باستان‌شناسی در محوطه ازبکی: ساوجبلاغ (۱۳۷۷-۱۳۷۸). تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۹، کاوش‌های محوطه باستانی ازبکی. جلد اول: هنر و معماری، جلد دوم: سفال، تهران: اداره کل میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان تهران.
- محمدی‌فر؛ یعقوب؛ و مترجم، عباس، ۱۳۹۲، «بررسی و نقد تاثیرات تفکر ناسیونالیستی بر موضوع مهاجرت آریایی‌ها». دوفصلنامه باستان‌شناسی ایران فرهنگی، مجله انجمن علمی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا، شماره ۱، سال اول، پاییز و زمستان، صص: ۲۲-۹.
- مدودسکایا، یانا، ۱۳۸۳، ایران در عصر آهن I. ترجمه علی‌اکبر وحدتی، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- ملک‌شهمیرزادی، صادق، ۱۳۵۶، «گزارش مقدماتی فصل اول و دوم حفاری تپه سگزآباد». مجله مارلیک، شماره ۲، صص: ۸۱-۹۸.
- مهرکیان، جعفر، ۱۳۷۴، «افق نوین در پژوهش‌های سفال خاکستری». مجله میراث‌فرهنگی، شماره ۳، صص: ۷۴-۵.
- مهندسان مشاور برنامه‌ریزی چشم‌انداز (سامان)، ۱۳۸۸، مطالعات امکان‌سنجی طرح منطقه نمونه طالقان. سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان تهران.
- نقشینه، امیرصادق، ۱۳۷۵، «مطالعه سفال‌های خاکستری در تپه سگزآباد دشت قزوین و رابطه آن با مهاجرت اقوام آریایی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

- واندنبرگ، لویی، ۱۳۳۸، دومین و سومین گزارش گمانه‌زنی و کاوش در چند تپهٔ ماقبل تاریخی مرودشت، خضرک، توابع گورستان خورویین. ترجمهٔ جواد کامبیز، تهران: گزارش‌های باستان‌شناسی مجلهٔ ۴، صص: ۲۷۹-۳۳۱.

- هول، فرانک، ۱۳۸۸، باستان‌شناسی غرب ایران. ترجمهٔ زهرا باستی، تهران: سمت.

- یوسفی‌زشک، روح‌الله، ۱۳۹۲، «گزارش مقدماتی کاوش‌های باستان‌شناسی تپهٔ چالتاسیان». فصل اول، آرشیو پژوهشکدهٔ باستان‌شناسی (منتشر نشده).

- فاضلی، حسن؛ و امیرصادق، نقشینه، ۱۳۸۵، «قبرهای عصر آهن تپه قبرستان». در: باستان‌شناسی دشت قزوین، تهران: دانشگاه تهران، ۱۲۱-۱۴۸.

- Burney, C., 1975, "Excavations at Haftavan Tepe 1973: fourth preliminary report". *Iran*, No. 13(1), Pp: 149-164.

- Burney, C. A., 1961, "Excavations at Yanik Tepe, North-West Iran". *Iraq*, No. 23(1-2), Pp: 138-153.

- Brown, B. T., 1951, *Excavations in Azarbaijan*, 1948: 1948. Murray.

-Contentau, J. & Ghirshman, R., 1935, *Fouillese de Tepe Giyan*. Paris: Paul Geuthner.

- Crawford, H., 1975, "Geoy Tepe 1903-Material in the Collection of the Fitzwilliam Museum, Cambridge". *Iranica Antiqua*, No. 11, 1.

- Danti, M. D., 2013, "The late Bronze and Early Iron Age in Northwestern Iran". In: *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, Edited by: D. T. Potts, Oxford University Press, Pp: 327-376.

- Dyson Jr, R. H. & Muscarella, O. W., 1989, "Constructing the chronology and historical implications of Hasanlu IV". *Iran*, No. 27(1), Pp: 1-27.

- Dyson Jr, R. H., & Youn Jr, T. C., 1960, "The Solduz Valley, Iran: Pisdeli Tepe". *Antiquity*, No. 34, Pp: 19-2.

- Ghirshman, R., 1939, *Fouilles de Sialk près de Kashan 1933, 1934, 1937* (Vol. 2). P. Geuthner, Paris.

- Muscarella, O. W., 1968, *Excavations at Dinkha Tepe, 1966*. Metropolitan Museum of Art.

- Schmidt, E. F., 1937, *Excavation at Tepe Hissar Damghan*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.

- Stein, A., 1940, *Old routes of Western Iran*. London.

- Vanden Berghe, L., 1964, *La nécropole de Khūrvīn*. Uitgaven van het Nederlands Historisch-Archeologisch Instituut te Istanbul.

- Young, T. C. Jr., 1967, *Excavatio at Godin Tepe*. First Progress Report: Rom.

- Young, T. C. Jr., 1965, "A Comparative Ceramic Chronology For Western Iran, 1500-500 B.C.". *Iran*, Vol. 3, Pp: 53-85.